



پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.

info@jamejamdaily.ir



شماره پیامک
۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
باشماست

حسین شکیب راد دبیر نوجوانه، ۱۸ ساله که ۱۸ سالشه و به قول خودش در فصل نوجوونی زندگیش باقی مونده. **زهرا قربانی** که دبیر تحریریه نشریه است، با همه جوونیش، کلی سابقه کاری داره و همین باعث شده نوجوون ها رو خوب بشناسه. زحمت رنگ و لعاب ضمیمه نوجوانه هم که باعث شده مطالب خوندنی تر شن روی دوش **محمد لوریه**. بررسی آثار شما رو هم **زهرا خلیلی** انجام میده. ولی ضمیمه **نوجوانه** با همت کلی نوجوون و جوون تولید می شه که باید بگیم دم همشون گرم!

پدر پویا



هستی، مقدمات تاسیس چند شهر بازی را فراهم آورد و علاوه بر دریافت ۲۲ جایزه اسکار و درآوردن کند دریافت جایزه، تبدیل به قطب انیمیشن جهان شد.

آن مرحوم چندان به مواد مخدر اعتیاد نداشت؛ فقط روزانه گاهی دفعات مصرفش به ۷ نخ در روز می رسید، همین! دیگر این که، بخش قابل توجهی از درآمدش از طریق کمک شرکت های مواد مخدر بود و این موضوع که در انیمیشن پینوکیو، وقتی که همه بچه ها به شهر بازی می روند، همگی از مشروبات الکلی و سیگار استفاده می کنند، یک امر کاملاً اتفاقی تلقی می شود یا این موضوع که در انیمیشن های دیگر مثل سگ های خالدار یا آلیس در سرزمین عجایب، کاراکترهای محبوب داستان همگی به سیگار اعتیاد داشتند؛ یک اتفاق کاملاً تصادفی بوده و اصلاً این شرکت اهل بهره گیری از پیام های مخفی روان شناسی شده در انیمیشن ها نبوده و نیست...

یا در جای دیگری، این که میکی موس و جری، دو موش باهوش و زیرک بوده اند و در اکثر مواقع پیروز داستان می شدند، هیچ ارتباطی با سهامداران یهودی این شرکت ندارد. این عدم ارتباط ها، بدیهیاتی هستند که نویسنده دارد خودش را می کشد تا به شما بفهماند که باید بروید و کمی در این رابطه تحقیق کنید.

بگذریم. والت دیزنی سرانجام شمع عمرش در ۱۹۶۶ با فوت روزگار خاموش شد.

رفت و کسی هم آنجا نباشد که بتوانی یک و نیم دلار دستی از او پول قرض کنی و از طرف دیگر کفاش هم آدم ناحسابی و نامهربانی باشد... الغرض این که فقیر بودن خود یک موضوع است، مصادف شدن لحظه شروع فقر با چه زمانی هم خودش بحث جداگانه ای است.

در شرح احوال والت آمده که دست آخر، بدهی یک و نیم دلاری اش توسط یک دندانیزشک پرداخت شده که اتفاقاً هم او نیز با والت برای ساخت یک تبلیغ انیمیشنی برای مطبخ، یک قرارداد ۵۵۰ دلاری امضا کرده است.

دیزنی بعد از نجات پیدا کردن از دست فقر و جان سالم به در بردن از دست آن کفاش، پایش به هالیوود باز شد و در گاراژ منزل برادرش، روی آ، استودیوی برادران دیزنی را بنانهاد و سناریو، انیمیشن آلیس در سرزمین عجایب را تکمیل کرد و بعدها و امی گرفت و با ساخت انیمیشن پرترفدار سفید برفی و هفت کوتوله، یک پارو خرید تا پولش از آن بالا برود... البته اگر نخواهیم از حق بگذریم، میکی موس، از اولین شخصیت هایی بود که والت خلق کرد و تا آخر عمرش نیز خودش دوبلور آن بود. (مستحضر هستید که خود شخصیت نمی توانسته صحبت کند و احتیاج به گوینده داشته)،

والت، بعدها با تاسیس شرکت والت دیزنی و تولید انیمیشن هایی که شمای خواننده به احتمال خیلی زیاد با تعداد کثیری از آنها آشنا

وقتی والت خوب بر کار نشریه رسانی سوار شد، رفته رفته، پدر را از مشتریان جدید باخبر نمی ساخت و بخشی از پول را خودش به جیب می زد. به گواهی تاریخ در ۲۵۰ سالگی دلار درآورده بود. (حالا شما هی برو از روی تصمیم کبری ۲۷ دفعه بنویس)

با شروع جنگ جهانی اول، «روی آ» به جنگ رفت و وقتی گاهی به خانه سر می زد با تعریف کردن خاطراتش، این بچه (والت) را هم هوایی می کرد. سرانجام پدر دلسوز والت، برای آن که بهانه بچه بیفتد، او را که هنوز ۱۸ سالش نشده بود به عضویت جمعیت هلال احمر فرانسه درآورد. والت هم آنجا نقش عمیقی را ایفا می کرد و شدیداً به پیروزی متفقین کمک رساند؛ به خصوص با کشیدن تصویر کارتون خودش روی کاپوت آمبولانس ها.

جنگ جهانی اول که تمام شد، والت، بسی کند و کاوید و کوشش کرد و نقاشی و طراحی و کاریکاتور و انیمیشن را شدیداً و به هر روش ممکن پیگیری نمود. بعدها امر تبلیغات انیمیشنی را آموخت و استودیو تاسیس کرد و القصة، آن قدر تلاش و کارآفرینی و کاریابی و کارآموزی کرد تا ورشکست شد! والت دیزنی تمام دارایی خود به جز یک دوربین عکاسی و یک کپی از بهترین اثرش، آلیس در سرزمین عجایب، همه چیز خودش را از دست داد و در فقر کامل فرو رفت.

البته در این میان همه چیز هم تقصیر فقر نبود، بدبختی والت بخش عمده اش از این ناشی بود که تاریخ تمام شدن پول هایش دقیقاً مصادف شده بود با وقتی که او می خواست هزینه تعمیر کفش هایش را به ارزش یک و نیم دلار با آقای کفاش تسویه کند. معادله پیچیده ای است، فکر نکنید ساده است. تصور کن از طرفی کفش هایت در اسارت کفاش مانده باشد، از طرفی یک و نیم دلار هم کف جیبیت نباشد، از طرفی به علت نداشتن کفش نتوانسته باشی به دنبال کار دیگری بروی، زیرا با پای لخت نمی توان راه

این یک آگهی تبلیغاتی نیست

فقط به بونا گورامی دونه...

بود، خیلی زود آموزش های آنلاین برای تمام ۳ درصد دانش آموز عضو خانواده های پر برخوردار شروع شد و باقی دانش آموزان هم کم کم به این پروسه پیوستند و الآن به جز ۰ درصدی که لابد لیاقت تحصیل هم ندارند و اصلاً معلوم نیست برای چه مناطق نزدیک راه را کرده اند و رفته اند در مناطق دور افتاده آن کشور زندگی می کنند؛ بقیه از این شادی پایدار بهره مند شده اند. لازم به ذکر است چون سیستم آموزشی کشور بونا گوراء همواره به تربیت و پرورش استعداد های ذاتی دانش آموزان اهمیت ویژه ای می داده به دانش آموزان قول داده اند بعد از دستگیری کرونا ی قاتل، دو تا زنگ ورزش، یک جلسه مشاوره رایگان و یک اردوی داخل مدرسه هم برایشان در نظر بگیرند که پرورش شان تأمین شود. اینجااست که می شود گفت «فقط به بونا گوراء می دونه، به بونا گوراء چی می خواد!»

کرونا که معرف حضور هست. بیماری سرحال و روی پایي که تا الآن نزدیک به ۶ میلیون نفر را درگیر کرده و نزدیک به یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر را هم به قتل رسانده. البته هنوز تا دستگیری و محکومیت این جانی در محاکم بین المللی فاصله داریم، اما کشورهای مختلف آرایش های گوناگونی در شرایطی که این قاتل زنجیره ای برایشان فراهم کرده، داشته اند. مثلاً در بونا گوراء، مدارس با حضور پررنگ مسؤولان به صورت آنلاین و حضور ترسناک دانش آموزان به صورت فیزیکی آغاز به کار کردند، اما خیلی زود و البته به زور، بعد از یک تئوری آزمایشی که «هر کی دوست داشت بیاد هر کی نخواست نیاد» تعطیل شدند و شادی بچه های محصل از همان لحظه شروع شد. آن هم یک شادی مجازی.

خوشبختانه با سرعت اینترنت موجود در این کشور و با توجه به این که سیستم آموزشی از سال ها قبل برای این روزها تدبیر کرده

عکس بی قاب

هر شماره یک عکس اینجا می گذاریم و شما می توانید شعر، جمله یا هر چیزی که در مورد آن به ذهن تان می رسد برای ما ارسال کنید. بهترین عبارات در شماره بعدی ضمیمه به اسم خودتان چاپ می شود.

